

ببینید، ایرادی که آقای خزاعی می‌گیرد، ایراد درستی است. من هم قبول دارم اما ما الان در یک وضعیت تثبیت یافته در این موضوع نیستیم یعنی هنوز در این رابطه سیاست‌های کلان نظام روشن نشده، به همین دلیل الان ما ادعایی داریم، سازمان هم یک ادعاهایی دارد. من مخالف آورده شدن بحث ساترا در قانون لایحه بودجه هستم چون هیچ قانونی ندارد. پارسل در لایحه بودجه آورده امسال هم در کشمکش این است که باشد یا نباشد. معلوم نیست تکلیفش چه می‌شود. یک قانونی داریم درباره وظایف ابلاغی وزارت فرهنگ و ارشاد اما قبول هم داریم که این یک پیچیدگی‌های جدیدی پیدا کرده که موجب این شده که رهبری انقلاب دستخط و دستور دادند که نظارت بر صوت و تصویر فراگیر با تلویزیون است. من مثالی می‌زنم همین سریال «آقا زاده» که پخش شد، همین دوستان مان در صدا و سیما نظرسنجی کرده بودند و می‌گفتند ۴ درصد مردم این سریال را دیدند، در حالی که صوت و تصویر فراگیر! باید چقدر ببیننده داشته باشد که نامش فراگیر باشد؟ در حالی که یک سریال دم دستی تلویزیون تکراری هم که پخش بشود، حداقل ۱۵ درصد ببیننده دارد. آیا فراگیر منظور حوزه پوششی است؟ اگر اینجور باشد، فعلاً VOD این قدرت را ندارد که اسم فراگیر بر آن اطلاق بشود. بله تلویزیون اینترنتی فراگیر است. ما معتقدیم تلویزیون اینترنتی در VODها متعلق به صدا و سیماست، اما غیر از آن طبیعتاً در چارچوب برنامه‌های وزارت ارشاد با قانون وظایف وزارت فرهنگ است. اگر مجلس می‌خواهد عوض کند، بیاید قانون مصوب خودش را عوض کند و بگوید آقای وزارت فرهنگ از امروز این دو تا را تو داری، آن سه تا را صداوسیما داشته باشد. ما حرفی نداریم. ما بیشتر از

روشی بود. ما می‌گفتیم یک قانونی در کشور هست به نام قانون مالیات‌های مستقیم. این قانون آمده یک صنفی را معاف کرده از جمله فعالیت‌های فرهنگ و هنر. حالا قانون لایحه بودجه جای تخفیف دادن یا عوض کردن آن قانون نیست و همه حرف من این بود. باید برود در جای خودش بحث کارشناسی بشود که اجحاف نشود. به هنرمندی که دو سال بیکار است حالا یک قراردادی می‌بندد و کارش فصلی است بگویم بالای ۲۰۰ میلیون درآمد داشتی بیا مالیات بده. این مدلش با مدل کارمندی که حقوق ثابت دارد، وضعیت مشخصی دارد فرق می‌کند. ما این تفکیک را باید قائل باشیم. یک عده در این قصه به ما نقد کردند که شما چرا طرف هنرمندان را می‌گیرید. گفتیم هنرمند و غیرهنرمند ندارد، کسی که درآمد بالایی دارد، باید مالیات بدهد. من که منکر این نیستم. چرا نباید مالیات بدهد؟ هنرمندی که یک میلیارد دو میلیارد درآمد دارد هم باید مالیات بدهد. ما گفتیم جای تغییر قانون در لایحه بودجه نیست. من همین الان هم دارم می‌گویم. الان هم این کار را کردند بهتر شده ولی باز اشکالات و ابهامات جدی دارد و من معتقدم کاری که اشکال ابهام آمیزی دارد عملاً اجرای درستی پیدا نخواهد کرد.

در بحث ساترا، آقای خزاعی خیلی اصرار دارند که صفر تا صد VODها و نظارتش باید بیاید ذیل ارشاد و گویا این کشمکش همچنان بین ارشاد و صدا و سیما وجود دارد. می‌گویند که صدا و سیما خودش رقیب VODهاست و چون با آنها رقابت دارد نمی‌تواند خودش ناظر آنها هم باشد. این بحث اختلافی میان ارشاد و ساترا در چه مرحله‌ای است؟

را به مردم تحمیل کنید. حوزه تحمیل حداقلی فقط در احکام الهی است. ما بعضی وقت‌ها در جمهوری اسلامی دچار افراط و تفریط شدیم. من خودم بیشترین ارتباط را با بدنه جامعه هنری دارم. مرتب با صنوف مختلف شان جلسه دارم. بعضی وقت‌ها اینها هم‌دیگر را تحمل نمی‌کنند. مثلاً یک وقتی موسیقیدان‌ها می‌گویند شما چرا با اینهایی که پاپ می‌خوانند، جلسه می‌گذارید، گفتیم آقا چه اشکالی دارد. خود استاد موسیقی این را به من می‌گوید و می‌گویم چه اشکالی دارد، این اگر از نظر شما هنرمند هم نباشد، اهل هنر که هست و من حرفش را شنیدم چه اشکالی دارد؟ من فکر می‌کنم همین الان هم ما بیشترین تنوع و بیشترین آزادی‌ها را داریم و اتفاقاً نگرانی این است که الان یک مقدار به سمت ولنگاری رفته ایم. مثلاً ما حق نداریم حریم خانواده را در فیلم‌های مان بشکنیم. من یک بار گفتیم فیلمی که همراه با خانواده‌ام نتوانم ببینم، نمی‌توانم به دیگران توصیه کنم ببینند.

آقای دکتر! درباره بحث معافیت مالیاتی هنرمندان مواضع شما را شنیدیم و شما در واقع جانب هنرمندان را گرفتید و گفتید که ما پیگیریم که این معافیت حفظ شود. حالا هم که مجلس قانون گذاشت که هنرمندان تا ۲۰٪ میلیون در سال از مالیات معافند. شما موافقید با این قانون؟ منتقدین از منظر عدالت طلبی می‌گویند چرا کارمند با حقوق ۵-۴ میلیون دارد مالیات می‌دهد ولی هنرمند با ۲۰٪ میلیون درآمد در سال که می‌شود ماهی ۲۰ میلیون از مالیات معاف است؟

اشکال ما به این کار مجلس، اشکال

وزارت فرهنگ و ارشاد به دلیل تفاوت دیدگاه‌های جدی‌ای که در مدیریت دولت قبلی با نگاه رهبری در حوزه فرهنگی داشت، عملاً به حاشیه و انزوا رفته بود. چطور به حاشیه و انزوا رفته بود؟ یعنی در تصمیم‌گیری‌ها سعی می‌کرد حضور نداشته باشد



تولید نشود کدام کتاب ترجمه شود کدام کتاب ترجمه نشود سلیقه ای اعمال می‌شود. اینها را چطور باید نظام مند کرد؟

ما باید یک نظام حداقلی را در باید‌ها و نباید‌هایمان داشته باشیم. الان ما چیزی به نام ممنوع القلم نداریم. یک دفعه یک نویسنده ای مصاحبه کرده بود که آقا من را وزارت ارشاد ممنوع القلم کرده. به معاونت فرهنگی گفتیم این آقا چنین ادعایی کرده؟ گفتند آره گفتیم ما بنای مان بر این نیست. ما وزارت فرهنگیم شما بررسی کنید. گفتند بررسی کتابش نشان می‌دهد مشکلی ندارد. گفتیم مجوزش را بدهید چاپ شود. فیلم می‌خواستیم اکران کنیم، مشکل داشت، بازیگرش رفته بود خارج از کشور. باز گفتند آقا این نباید پخش بشود. گفتیم چرا نباید پخش شود. گفتیم آقا این مسأله برای هر فیلمی ممکن است اتفاق بیفتد. اکران کردیم ۴۰ میلیارد هم فروخت. حالا ممکن است من چنین فیلمی را نپسندم ولی فیلم را پخش کردم. در فیلم‌های جشنواره هیچ فیلم توقیفی نداریم. من اصلاً معتقد به توقیف نیستم، می‌گویم این اشکالاتش را برطرف کنید و پخش کنید. به این تفاهم الان داریم می‌رسیم. بله قبول دارم در هر حاکمیتی و هر دولتی، مدیریت فرهنگی‌اش تلاش می‌کند تا مطابق با آن گفتمانی که دارد، فضای فرهنگ را مدیریت کند. کدام سینمایی در دنیا سراغ دارید که فارغ از این باشد؟ ما ادعایی نداریم در این زمینه ولی به نظر من همین الان تنوع ژانر، تنوع موضوع و تنوع سوزها در سینمای ایران خیلی زیاد است.

آقای دکتر! در ادبیات مسئولین فرهنگی این کلمه را زیاد شنیدیم، کلمه «تراز». مثلاً حجاب تراز، خانواده تراز و ... انگار تعریف ما از کار فرهنگی همواره این بوده است که ما یک الگوی تراز ارائه کنیم و دیگران را ارجاع بدهیم به این الگو در حالی که شاید بهتر بود به جای الگوی تراز از الگوی متکثر سخن می‌گفتیم و به جای اینکه تأکید کنیم که فقط یک الگو وجود دارد، الگوهای مختلف و سبک زندگی‌های مختلف ارائه کنیم و الگوی متکثر را در کارهای فرهنگی مان بازنمایی کنیم. این را شما قبول دارید؟

در فقه حکومتی یک بحثی است به نام «منطقه الفراغ» منطقه الفراغ خیلی باز است. اگر باید و نباید خیلی محدود باشد و اگر ما منطقه الفراغ را نداشته باشیم، نمی‌توانستیم نظام تقنینی در کشور داشته باشیم. چرا اوایل عده‌ای مخالف بودند با نظام تقنینی؟ گفتند قانونگذاری شده است دیگر. می‌خواهی چه قانونی داشته باشی؟ بعد توسط بزرگانی مثل نائینی مثل شهید صدر و بعد در انقلاب اسلامی ادبیات قوی تری تولید شد. شما نمی‌توانید نوع لباس، نوع گفتار، نوع سیره سلوک

